



حسن اردشیری

ولادت

شهید محراب آية الله عطاء الله اشرفی اصفهانی در شعبان المعظم سال ۱۳۲۲ هـ. ق برابر با ۱۲۸۱ هـ. ش در سده (خمینی شهر) اصفهان در خانواده‌ای روحانی و عالم متولد شد.

اعقاب و نسب

ایشان یگانه فرزند ذکور مرحوم حجة الاسلام و المسلمین میرزا اسدالله نوة مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد جعفر از علماء معروف سده بود. جد اعلای ایشان از علماء جبل عامل بوده است. شهید اشرفی

اصفهانی خود در این باره می‌گوید:

«نسب بنده منتهی می‌شود به یکی از علماء جبل عامل که اینها در صدر اسلام از برکت حضرت ابوذر، اسلام را اختیار کردند و بعد از آمدن در سده و تا آنجا که در نظرم هست، اجداد پدری ما همیشه از علماء معروف محل بودند.^۱ پدر ایشان از ائمه جماعات و اهل منبر و دارای کمالات علمی و تقوایی بود. مادر شهید اشرفی اصفهانی نیز از علویات معروف اصفهان بود و جد

۱. محراب خونین باختران، محمد اشرفی اصفهانی، سروش، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵.

مادری ایشان از ساداتی بود که به داشتن کرامات نزد مردم اصفهان بسیار معروف بود.

تحصیلات

شهید اشرفی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در سده (خمينی شهر) نزد مرحوم سید مصطفی گذراند. ایشان استعداد فراوان و حافظه قوی داشت؛ به طوری که در نه سالگی کتاب «نصاب الصبيان» را از حفظ داشت و در سن دوازده سالگی جهت ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و طی حدود ده سال دروس ادبیات و سطح فقه و اصول و همچنین یک دوره درس خارج اصول را در محضر اساتید بنام این شهر آموخت. بعضی از اساتید معروف ایشان در شهر اصفهان عبارت‌اند از: آیه الله سید مهدی درچه‌ای، برادر آیه الله سید محمد باقر درچه‌ای رحمته الله استاد بزرگ آیه الله بروجردی، همچنین آیه الله سید محمد نجف آبادی، مرحوم فشارکی و مرحوم مدرس.

شهید اشرفی اصفهانی طلبگی خود را با نهایت عسرت و مشقت

اقتصادی گذراند. ایشان خود در توصیف شرائط تحصیلشان در اصفهان می‌فرمودند:

«زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نه چای داشتیم، نه نفت و نه قند. برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درسهای یک هفته را دوره می‌کردم. در مدت دوازده ساعتی که آنجا مطالعه می‌کردم، غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود، چیز دیگری نداشتم.»^۱

هجرت به حوزه علمیه قم

شهید محراب در سال ۱۳۰۲ هـ. ش (۱۳۴۳ هـ. ق) در سن بیست سالگی جهت ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه علمی و دینی رهسپار قم گردید. ابتدا مدت یک سال در مدرسه رضویه اقامت گزید، پس از آن در معیت

۱. محراب خونین باختران، ص ۱۸.

خاص علماء به خصوص آیات و مراجع ثلاث قرار گرفت و با توجه به شرائط خاص سیاسی اجتماعی آن زمان که ناشی از فشارهای گوناگون از طرف رژیم رضاخان بود، تمام مشکلات را تحمل کرد و با استقامت بی نظیر خود به تحصیل ادامه داد.

شهید اشرفی اصفهانی با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت به خرج داد و پس از اندک زمانی از فضلاء و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار آمد. به دنبال این توجه و اعتماد و عنایت خاص ایشان است که شهید اشرفی در سن چهل سالگی اجازه اجتهاد خود را که اولین اجازه نامه اجتهاد آیه الله خوانساری است، دریافت می کند. البته پیش از آن نیز چندین اجازه نامه در امور حسبه از ایشان و دیگر مراجع دریافت کرده بود.^۳

آیه الله حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی در مدرسه فیضیه سکونت کرد.^۱

حجة الاسلام حسین اشرفی اصفهانی، فرزند شهید محراب، در توصیف این دوران چنین می گوید:

«بنده در سن ۷ سالگی بودم که پدرم برای ادامه تحصیلات از اصفهان به قم آمدند و در حجره کوچکی در مدرسه فیضیه اقامت گزیدند. من و برادر کوچکترم که بعداً به قم آمدیم در آن حجره کوچک در معیت ایشان بودیم. وضع زندگی ما به نحوی بود که فسق هفته ای یک بار می توانستیم غذای گرم بخوریم و آن غذای گرم حلوایی بود که اصفهانیها به آن «شل شلی» می گویند.^۲

شهید آیه الله اشرفی تقریباً یک سال در جلسه درس آیه الله حائری شرکت کرد و پس از رحلت ایشان، چند سالی از محضر آیات ثلاث (آیه الله حجت، آیه الله سید محمد تقی خوانساری و آیه الله سید صدر الدین صدر) بهره مند شد. شهید اشرفی پس از ورود به حوزه علمیه قم مورد توجه

۱. همان، ص ۱۹.

۲. ر.ک: پاسداران اسلام، مهدی مشایخی، انتشارات موسوی، ۱۳۶۷.

۳. ر.ک: بخش ضmann کتاب یاران امام به روایت

شده بود، شهید محراب به همراه برخی فضلاء و علماء دیگر مأموریت یافت تا به عنوان ممتحن امتحانات دروس سطح خارج فقه و اصول نقش خود را ایفاء کند که تقریباً به مدت سه سال و تا زمان اعزام به کرمانشاه در برگزاری این امتحانات شرکت داشت.^۱

هجرت به کرمانشاه

در سال ۱۳۳۵ هـ. ش شهید اشرفی اصفهانی بنا به دستور مرحوم آیه الله بروجردی جهت تبلیغ و نشر معارف و احکام دین و تقویت بنیه دینی و مذهبی اهالی کرمانشاه به آنجا اعزام شد و در آنجا رحل اقامت افکند. در سال اول، شهید اشرفی به همراه فرزندش در مدرسه آیه الله بروجردی زندگی می‌کرد تا اینکه آیه الله بروجردی دستور دادند تا خانه‌ای اجاره کند و به همراه خانواده در آنجا زندگی کند. شهید اشرفی اصفهانی بارها از آیه الله بروجردی تقاضای مسافرت و بازگشت را کرد، اما هر بار

پس از ورود آیه الله بروجردی به حوزه علمیه قم و شروع درس فقه و اصول، شهید اشرفی به نحوی شیفته درس و بیان ایشان شد که خود می‌فرمود: «من پس از اندک زمانی، ناگزیر دروس دیگر مراجع تقلید را رها کردم و جدیت و کوشش کردم که مطالب آیه الله بروجردی را جمع‌آوری و مطالعه کنم.»

طی مدت دوازده سال که آیه الله اشرفی در محضر ایشان حضور می‌یافت، تمام دروس آن مرحوم را می‌نوشت و این نوشته‌ها هنوز موجود است.

شهید محراب پس از اندک زمانی با مرحوم آیه الله بروجردی مناسبات نزدیک یافت؛ طوری که مرتب به دیدار ایشان می‌رفت و هر وقت شهید اشرفی به اصفهان می‌رفت و باز می‌گشت، آیه الله بروجردی به دیدار شاگرد خود به حجره او در مدرسه فیضیه می‌آمد. در سال ۱۳۳۰ هـ. ش که از سوی آیه الله بروجردی برای تشویق محصلین حوزه علمیه قم، برنامه امتحانات عمومی در نظر گرفته

اسناد ساواک.

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص هشت.

جمعه بود. بر این اساس، به فرمان امام، ابتدا در تهران و سپس در شهرهای بزرگ و به دنبال آن در اکثر شهرهای ایران نماز جمعه اقامه گردید.

در تاریخ ۱۴ ذی قعدة سال ۱۳۹۹ ه. ق مصادف با مهر ماه ۱۳۵۸ ه. ش طی حکمی از سوی امام خمینی رحمته الله علیه آیه الله اشرفی به عنوان امام جمعه کرمانشاه منصوب شد و تا روز جمعه ۱۳۶۱/۷/۲۳ در این سنگر مقدس به حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی اشتغال داشت.

خطبه‌های نماز جمعه شهید اشرفی اصفهانی، نشانگر حساسیت و توجه ایشان به بیان موضوعات مورد نیاز مسلمانان و تشریح مواضع انقلاب و امام خمینی رحمته الله علیه بود. ارائه مطالب مربوط به ولایت فقیه، موضوع جنگ و ضرورت حضور مردم در جبهه‌ها و کمک و پشتیبانی رزمندگان و از همه مهم‌تر تبیین خط امام و مقابله با منحرفین و خیانتکاران، عمده‌ترین محورهای مباحث ایشان به شمار

با مخالفت ایشان مواجه می‌شد که می‌فرمودند: «وجود شما در کرمانشاه بسیار نافع است و من اجازه نمی‌دهم.» شهید محراب هم چون فوق العاده به استاد خود علاقه‌مند بود، مایل نبود بدون اذن ایشان مسافرت کند. وی پس از ورود به کرمانشاه، در مدرسه آیه الله بروجرودی به تدریس رسائل و مکاسب و کفایتین برای طلاب پرداخت و حوزه علمیه آن شهر را رونق خاصی بخشید و طلاب و شاگردان بسیاری را جذب حوزه علمیه کرمانشاه کرد که برخی از آنان در جریان مبارزات شهید اشرفی در منطقه، کمکهای شایان توجهی کردند.^۱

شهید محراب و امامت جمعه

یکی از اقدامات ارزنده امام خمینی قدس سره که نقش مهمی در اثبات و تداوم انقلاب اسلامی و خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلاب و گروه‌های وابسته به غرب و شرق و همچنین منسجم کردن و در صحنه نگه داشتن امت اسلامی و انقلابی ایران داشت، برپایی نماز سیاسی - عبادی

۱. همان، ص. نه.

می‌رفت.

نقش و حضور ایشان در جریان افشاء خطر انحرافی بنی‌صدر و صدور اعلامیه در باره عزل وی از مقام ریاست جمهوری در آن مقطع تاریخی انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود که حاکی از تطابق دقیق مواضع فکری و سیاسی ایشان با رهبر انقلاب اسلامی بود.^۱

دوران دفاع مقدس

با آغاز جنگ تحمیلی و بسیج همه جانبه مردم و قوای مسلح برای حضور در جبهه‌ها و پشتیبانی جبهه‌های جنگ، آیه الله اشرفی نیز با مهم توصیف کردن مسئله جنگ در مدت ۲۵ ماه در تمام خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها و پیامهایشان به حضور مردم در جبهه‌ها تأکید می‌ورزید و با حضور در جبهه‌ها به دیدار رزمندگان می‌شتافت و برایشان سخنرانی می‌کرد و با آنان به گفتگو می‌نشست و می‌فرمود: «وقتی به جبهه می‌روم تا مدتی روحیه‌ام قوی می‌شود.»

مقامات امنیتی و حفاظتی، مسافرت‌های طولانی و راه‌های صعب‌العبور را به عشق دیدار دلاور مردان جبهه‌های نبرد، با وسائل نقلیه نظامی در شرائط دشوار می‌پیمود. بارها در جبهه‌های ایلام، قصر شیرین، پادگان ابوذر، گیلان غرب، نوسود، شبستان، آبادان، خرمشهر و سومار حضور یافت و با سخنرانیهای دلنشین خود به سپاهیان اسلام روحیه بخشید. پس از آزادی قصر شیرین به آن شهر سفر کرد و با خواندن دو رکعت نماز شکر در مسجد این شهر، سپاس‌گزاری خود را به درگاه خداوند به جای آورد.^۲

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

در تمام دوران حضور شهید اشرفی اصفهانی در کرمانشاه، فعالیت‌های گسترده‌ای توسط ایشان جهت معرفی اسلام، تربیت طلاب علوم دینی و خدمات اجتماعی به عمل آمده که هر یک در جای خود بسیار ارزشمند و منشأ برکات بوده است. اهم اقدامات شهید محراب به قرار زیر

۱. همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

علی‌رغم کهولت سن و ممانعت

است:

۱. تجدید بناء مسجد ولی عصر علیه السلام در خمینی شهر با مساحت بیش از ۳۰۰ متر مربع با سبک جدید.

۲. ساختن مسجد امام حسین علیه السلام در خمینی شهر به مساحت ۲۰۰ متر مربع جنب سپاه پاسداران که در سال ۱۳۶۱ افتتاح گردید.

۳. ساختمان مکتب الزهراء علیها السلام جهت تربیت خواهران و تدریس معارف اسلامی، علوم فقه و عربی که در سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام در سال ۱۳۶۱ افتتاح گردید و با شروع به کار آن، بیش از ۳۰۰ خواهر مشغول تحصیل علوم دینی شدند.

۴. تأسیس حوزه علمیه امام خمینی رحمته علیه در کرمانشاه که در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۲۰ افتتاح گردید.

۵. کوشش در امور تبلیغی روحانیان و مبلغان در استان که مسئولیت آن از سوی امام خمینی رحمته علیه به ایشان واگذار شده بود.

۶. تلاش برای وحدت بین تشیع

و تسنن.

شهید محراب در خصوص

وحدت بین دو قشر شیعه و سنی زحمات فراوانی را متحمل شد و در طول مدت امامت جمعه، سمینارهای متعددی مرکب از ائمه جمعه سنی و شیعه در مرکز استان و شهرهای اهل سنت استان کرمانشاه تشکیل داد.^۱

ویژگیهای اخلاقی و رفتاری

امام خمینی رحمته علیه که خود نمونه‌ای از مردان خدا و شخصیت‌های بزرگ است و به قول شهید محراب «در بی‌هوایی نظیر ندارد و مادر عصر خودمان مانند ایشان را ندیده‌ایم.» در پیام تاریخی و بی‌سابقه خود در توصیف شهید محراب فرمودند:

«مرحوم شهید بزرگوار، حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا عطاء الله اشرفی را در این مدت طولانی به صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی بودن از هواهای نفسانی و ترک هوی و اطاعت امر مولی و جامعیت علم مفید و عمل صالح می‌شناسم...»

۱. عروج خونین، محمد اشرفی اصفهانی، نشر شاهد، ج اول، ۱۳۸۱ ش، صص ۱۰-۱۱؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص هفده و هجده.

۱. تواضع و فروتنی

آن شهید هیچ گاه از خود ادعایی نداشت و در برابر همه افراد خود را پایین تر می دانست و اگر گوینده ای از ایشان در مجامع عمومی تعریف می کرد، سخت ناراحت می شد و پس از اتمام سخنرانی، به گوینده می فرمود: «آنچه گفتم، در من نبود و من راضی نبودم این کلمات را برای من بگویی.» و در اعلامیه هایی که در زمان انقلاب به اتفاق علماء کرمانشاه صادر می شد، هیچ گاه اول و مقدم بر همه امضاء نمی کرد و در اطلاعیه ها و پیامهایی که بعد از پیروزی انقلاب صادر می کردند، نام علماء و جامعه روحانیت را نیز می آوردند. مراجعین به منزل را خود شخصاً پاسخ می داد و حتی درب منزل را نیز اکثراً خود به روی مردم می گشود و شخصاً از میهمانان و مراجعین پذیرایی می کرد. محل نشستن ایشان در اول اتاق بود و به هنگام گفتگو هیچ گاه سخن کسی را قطع نمی کرد. مشکل مراجعین را حتی الامکان شخصاً برطرف می کرد و کارهای آنها را اصلاح می کرد.

اگر مشغول غذا خوردن بود و زنگ در منزل به صدا در آمد، غذا را رها کرده، خود به سراغ مراجعه کننده می رفت. تلفنها را اکثراً بدون واسطه، خود جواب می داد؛ با اینکه گاه تلفن مزاحم بود. در منزل یک تلفن بیشتر نبود و تلفنچی یا مستخدم و خدمتگزاری هم نداشت. و اگر در باره این مسائل پیشنهادی داده می شد، رد می کرد و می فرمود: «من طلبه ای بیش نیستم و شأن و مقامی ندارم و از این گونه تشریفات متنفرم.» با اینکه اینها تشریفات نبود و مسائل امنیتی ایجاب می کرد که ایشان مقداری احتیاط کنند و قدری کنار باشند؛ ولی به این حرفها اعتنایی نمی کرد و می فرمود: «زندگی امام از همه ماها ساده تر است. باید ساده زندگی کرد.»

۲. حسن خلق

اخلاق حسنه که در اسلام بسیار سفارش شده است، در وجود این شهید بزرگوار به حد وافر بود؛ به طوری که انسان را مجذوب می کرد. هیچ گاه حتی با زبان کسی را نمی رنجاند. اگر کسی از ایشان

رهبری کند و در راه حاکمیت بخشیدن به خط امام و مرجعیت و ولایت فقیه نهایت تحمل و تلاش را به منصف ظهور رساند. او با تمام نیرو در برابر خطوط انحرافی ایستادگی کرد و بالاخره خون مقدس و پاکش را تقدیم داشت.

۴. حلم

حلم آیه الله شهید به قدری بود که همواره باعث اعجاب همگان بود. او با آرامش، مشکلات و کارشکنیها را تحمل کرد و هیچ گاه در صدد انتقام و تلافی برنیامد. آزارها را به خدا واگذار کرد و در نماز و دعا شکایت پیش خدا می برد. تصور نمی شود که هیچ روحانی طرفدار امام به اندازه ایشان آزار و شکنجه دیده باشد. او حقیقتاً مظلوم بود و مظلومانه زیست تا به شهادت رسید.

۵. زهد و پارسایی

شهید محراب اگر در این جهت بی نظیر نبود، لااقل کم نظیر بود. ساده می زیست و غذایش اغلب نان بود و گاه پنیری در کنار آن. پس از دوران طولانی تحصیل که در فقر مطلق، اما با پارسایی و زاهدانه سپری گشت،

تقاضایی داشت، در صورتی که در توان ایشان بود، آن را برآورده می ساخت و انگز در توانش نبود، با خلق خوش و زبان شیرین به او پاسخ می داد؛ حال آنکه شهید محراب از بعضی افراد مغرض یا ناآگاه ناراحتی داشتند (افرادی که مرتب با زبان ایشان را آزار می دادند) ولی در این موارد نیز دیده نشده کسی را مورد عقاب و خطاب قرار دهند یا مقابله به مثل کنند.

۳. صبر و استقامت

استقامت و پایدردی چهارمین شهید محراب بسیار عجیب و باعث تحیر و تعجب همگانی بود. مرحوم آیه الله بروجردی، ایشان و دو تن دیگر از علماء و مدرسین قم را جهت اداره حوزة علمیه و تدریس و اقامه نماز جماعت، به کرمانشاه اعزام کرد، آن دو تن بر اثر مشکلات زیادی که در این شهر بود، کرمانشاه را ترک کردند؛ اما شهید محراب بر تمام ناملایمات و عذابهایی روحی که اکثراً از ناحیه یک روحانی نمای وابسته به رژیم طاغوت و مخالف امام و ولایت فقیه بود، صبر کرد و توانست انقلاب را در این استان

اقامت بیست و هفت ساله ایشان در کرمانشاه آغاز شد. منزل ایشان در این شهر، با اینکه نمایندگی مرحوم آیه الله بروجردی و امامت جماعت مسجد آیه الله بروجردی را بر عهده داشتند، تا مدت شش - هفت سال اجاره ای بود. پس از این مدت عده ای از مؤمنین خیر باکسب اجازه از محضر امام خمینی علیه السلام که در نجف اشرف بودند و آیه الله گلپایگانی علیه السلام، منزلی برای ایشان تهیه کردند. قیمت منزل پنجاه و سه هزار تومان بود که بیست هزار تومان آن وام بود و باید به مرور پرداخت می شد. دیون و قروض خانه مزبور بر عهده خود ایشان گذاشته شد. در این باره حضرت امام نامه ای از نجف اشرف نوشتند که ضمن بیان مطالبی دستور پرداخت دیونشان را از محل سهم مبارک امام دادند.

این جریان بازگو کننده توجه و عنایت شخص امام به این شهید بزرگوار و اینکه این شهید به قدری مقید بودند و در امور دنیا احتیاط می کردند که حتی حاضر نبودند وام منزل را بدون اذن امام و مرجع تقلید

پرداخت کنند؛ لذا در وصیت نامه ایشان هم این موضوع آمده است که نصف منزل مسکونی متعلق به امام امت است و پس از مرگ من ورثه باید پول آن را به امام بدهند.^۱

۶. محبت به خاندان عصمت علیهم السلام

شهید محراب فوق العاده به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام علاقه مند بود. در اکثر گرفتاریها توسل به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می جست. هر سال در ماه مبارک رمضان یک ختم قرآن جهت چهارده معصوم علیهم السلام تلاوت می کرد و همیشه می فرمود که برای رفع گرفتاریها و مسائل مهم اجتماعی متوسل به ائمه معصومین شوید! و از اعمال بسیار مهم شهید محراب، خواندن زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام بود.

زیارت جامعه کبیره را حفظ بود و در عتبات مقدسه و زیارت مشهد مقدس این زیارت و زیارت امین الله را می خواند. علاقه فوق العاده شهید به شرکت در مراسم عزاداری و

۱. عروج خونین، محمد اشرفی اصفهانی، صص ۱۹-۲۲.

در طول اقامت در کرمانشاه، فعالیت عمده خود را صرف تثبیت و معرفی امام رحمته الله علیه به عنوان مرجع تقلید کرد و علی رغم کارشکنیها و غرض ورزیها و بدخواهیهای که اعمال می شد، در این مسیر ثابت قدم بود و بارها به فرزندش می گفت: «تقویت امام، تضعیف کفر و تضعیف امام، تقویت کفر است.»^۳

۸. همرنگی و همدردی با مردم

در زمان جنگ و جیره بندی ارزاق و نفت از سوی دولت جمهوری اسلامی، از سوی استانداری و بازرگانی به ایشان پیشنهاد شد که اجازه بدهند مقداری برنج و قند و شکر برایشان فرستاده شود. شهید که درد مردم را درک می کرد، به هیچ وجه قبول نکرد و فرمود: «هیچ تفاوتی بین من و دیگر مردم نیست.»

۹. عبادت

فرزند ایشان می گوید: وقتی در

سوگواری امام حسین رحمته الله علیه و توسل به اهل بیت پیامبر اکرم رحمته الله علیه به اندازه ای بود که در ایام عاشورا حال و هوای دیگری می یافت و همیشه ذکر ایشان یا الله و یا حسین بود و در آخرین لحظات زندگی چندین بار نام مقدس امام حسین رحمته الله علیه را به زبان آورد.^۱

همچنین حضرت آیه الله نجفی مرعشی خطاب به فرزندان شهید، نقل می کردند که «خدا رحمت کند پدر شما را! همیشه قبل از اذان صبح که به حرم حضرت معصومه رحمته الله علیه مشرف می شدم، یا اولین نفر من بودم و حاجی آقای شما نفر دوم و یا بالعکس.»^۲

۷. شناخت زمان

یکی از ویژگیهای آن شهید بزرگوار، آگاهی به زمان و مقتضیات عصر بود. در همان زمان که امام خمینی رحمته الله علیه از زندان آزاد شد، ایشان به اتفاق چند تن از علماء به قم عزیمت و با معظم له دیدار کرد و با کسب اجازه کتبی و کالت و اجازه مطلق در امور حسسیه و شرعیه از جانب امام رحمته الله علیه، نماینده تام الاختیار ایشان در استان کرمانشاه گردید.

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید

اشرفی اصفهانی، ص نوزده.

۲. عروج خونین، ص ۴۰.

۳. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ده.

آن شهید هیچ گاه از خود ادعایی نداشت و در برابر همه افراد خود را پایین تر می دانست و اگر گوینده‌ای از ایشان در مجامع عمومی تعریف می کرد، سخت ناراحت می شد

کارهای خود را انجام می دادند و عقیده شان این بود که من زن را برای کار کردن نیاورده‌ام. او هم وظائفی را بر عهده دارد و محترم است. و بسیاری از اوقات هم دیده شده است که ایشان با آن سن زیاد و ضعف بدنی، صبحها برای کمک به مادرم چای را درست و آماده می کنند.»

۱۱. توکل به خداوند

از ویژگیهای ممتاز ایشان، توکل و توجه و خدا آگاهی ایشان بود. بر این اساس، فرزندان و شاگردان را نیز به

حوزه علمیه قم بودند هرگز نماز شب ایشان تعطیل نمی شد و مقید بودند نماز صبح را با جماعت در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها بخوانند و زمانی هم که ایشان به کرمانشاه آمدند، همانند قم، تهجدشان ترک نمی شد. و مقید بودند نوافل را اکثر اوقات به جا آورند.^۱

ایشان اکثر شبها تا صبح بیدار بودند و درس می خواندند و از یک ساعت مانده به اذان صبح، برای نماز شب و مستحبات مربوط به آن آماده می شدند؛ حتی در زمستانها با آب بسیار سرد حوض وضو می گرفتند و بعد با حال و توجهی کامل به نماز شب مشغول می شدند.^۲

۱۰. احترام به همسر

شهید بزرگوار کارهایشان را خودشان انجام می دادند و حتی به همسر و فرزندان شان نیز اجازه نمی دادند تا برایشان کاری را انجام بدهند. یکی از فرزندان آن شهید می فرمودند: «به خاطر ندارم که ایشان حتی یک بار به همسرشان گفته باشند که یک لیوان آب به من بده! خودشان

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۳۱.

روحانی و مبلغ و اندیشمند اسلامی به طور خاص نقش آفرینی می‌کند، اهتمام و توجه وی به مطالعه و تحقیق است که می‌تواند او را در هر عصری پویا و زنده نگه دارد. شهید اشرفی اصفهانی در این مورد نیز موفق بودند. در طول سالیان دراز، برای ایشان جمعه و تعطیلی هرگز وجود نداشت؛ پیوسته و در هر حالت یا مطالعه می‌کردند و یا می‌نوشتند و بارها می‌گفتند که «من اگر مطالعه نکنم و بی‌کار باشم، خسته می‌شوم و بهترین لذت را از مطالعه و نوشتن می‌برم.»^۳

سجده بر ابديت

از زمانی که منافقین علیه انقلاب اسلامی دست به اسلحه بردند، ترور شخصیتها و رجال سیاسی مذهبی در دستور کار این گروهک قرار گرفت و سرلوحه اقدامات تروریستی خود را ترور ائمه جمعه استانهای مهم و حساس کشور قرار دادند. بر این

این امر نورانی سوق می‌دادند و تکیه کلام ایشان همیشه این بود که کارها را برای خدا بکنید و به فکر پست و مقام و حتی منتظر دعای خیر و تشکر مردم هم نباشید و همیشه اجرتان را از خدا بخواهید! و همواره توصیه می‌کردند: «همیشه کارهایتان را به خدا واگذار کنید! اتکاء به خدا داشته باشید و عزت را از خدا بخواهید! وقتی که شما امورتان را به خدا واگذار کنید، خدا بهتر از آنچه که انتظار داشتید، نصیب شما می‌کند.»^۱

۱۲. قرائت قرآن

یکی از فرزندان شهید نقل کرده‌اند: «حاجی آقا امکان نداشت که یک شب خواندن چند سوره از قرآن را فراموش کنند. همیشه قبل از خواب، چند سوره از قرآن را به عنوان هدیه برای علماء، اساتید و پدر و مادرشان از حفظ می‌خواندند و بنابر اظهار خودشان در مجموع حدود ۱۸ جزء قرآن را از حفظ داشتند.»^۲

۱۳. مطالعه

از ویژگیهایی که در رشد و تعالی روزانه یک مسلمان به طور عام و یک

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۱.

گشودند که گلوله‌ها به وی اصابت نکرد. مهاجمین در حین فرار نارنجکی به سوی او پرتاب کردند که به ایشان آسیبی نرسید، ولی تعدادی از مردم بی‌گناه شهید و مجروح شدند.

سومین اقدام در جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ بود. هنگامی که خطبه اول نماز را آغاز کرده بودند، ناگهان یک نفر به طرف وی هجوم آورد و ایشان را در آغوش گرفت که بر اثر انفجار نارنجک، شهید اشرفی در حالی که به صورت سجده به زمین افتادند، به شهادت رسیدند و بدین ترتیب، محراب خونین کرمانشاه محل عروج فقیهی بارع، عالمی مجاهد و امام جمعه‌ای زاهد گردید.

او گل واژه‌ای سرخ از گلشن عالمان دین و از تبار سجده گرانی بود که در نماز خونین عشق سر بر سجده ابدیت و شهادت رساند. عاش سعیداً و مات سعیداً.^۱

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص بیست.

او گل واژه‌ای سرخ از گلشن عالمان دین و از تبار سجده گرانی بود که در نماز خونین عشق سر بر سجده ابدیت و شهادت رساند.

اساس، شهادت آیه الله قاضی، آیه الله مدنی و آیه الله صدوقی توسط منافقین انجام گرفت و نام شهید اشرفی نیز در لیست ترور آنان گنجانیده شد. اولین بار در سال ۱۳۵۹ ه. ش منزل ایشان هدف یک بمب صوتی قرار گرفت.

در دومین بار، در تیرماه ۱۳۶۰ هنگامی که آیه الله اشرفی برای اقامه نماز ظهر عازم مسجد بروجردی کرمانشاه بودند و قصد ورود به مسجد را داشتند، ناگهان ۳ مهاجم مسلح از داخل یک اتومبیل به سوی وی آتش